

تفسیری بر تاریخ فرهنگ ایران

اخلاقیات

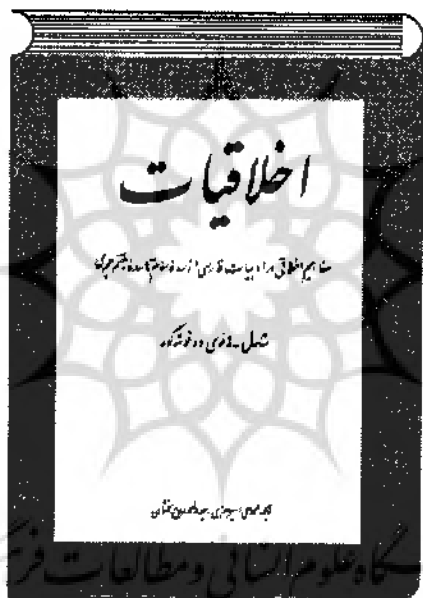
علم تدبیر زندگی

پروین استخری

مسحور عظمت نشد؛ نمی‌توان در حاشیه کویر به سر برد و یکتواختی، بی‌کرانگی، پیکار، سختی... را تجربه نکرد؛ نمی‌توان در کنار رودخانه زیست اما جریان آب، جریان زندگی، دگرگونی، خروش یا آرامش، کم آبی یا سیلاب... را ندید و از آن درس نگرفت؛ نمی‌توان در زیر سقف آسمان - با رفت و آمد بسامان خورشید و ماه و درخشش ستارگان و نظم شبانه‌روز و هفته و ماه و سال و ... سرگرد و سر تعظیم در برابر عظمت لایتناهی هستی‌فرو نیامورد... نمی‌توان این همه را دید و درباره آنها تأمل نکرد و همین تأمل سرچشمه اصلی و عمده اخلاق است.

در آن روزها که ماشین - در معنای عام خود - هنوز چنین بر همه چیز و همه جا چنگ نینداخته بود و حرکت و سرعت و جابه‌جایی حساب و کتاب داشت، هر لحظه از زندگی در این سرزمین و هر جای این خاک پهناور و مختلف الطبیعه حاوی درس و عبرت بود که در ذهن جا می‌گرفت و در زندگی بازتاب می‌یافت و به‌صورت اخلاقیات در می‌آمد؛ و چنان که خواهیم دید یک‌علت این که اخلاقیات نظری ما کار برد عملی عمیق و وسیع و همه جایی یافته همین است که مبتنی بر مشاهده و تجربه است، و به همین سبب است که در زبان مردم، اخلاقیات مترادف با حکمت به کار می‌رود، و نیز به همین دلیل است که - چنان که خواهد آمد - زبان و ادب فارسی آکنده از اخلاقیات است که بخش عمده آنها به صورت امثال و حکم همه روزه در زبان مردم به کار می‌رود، و کتاب اخلاقیات چگونگی شکل‌گیری آنها را از قدیم‌ترین ایام نشان می‌دهد و تحول تاریخی آنها را بررسی می‌کند و صورت‌های مختلفی را که در طی قرن‌ها - در متن‌های مختلف و در زمینه‌های گوناگون پیدا کرده‌اند باز می‌نمایاند.

عامل یا عنصر دیگر اخلاق ایرانی سالار مداری است، به این معنی که جامعه ایران عمدتاً به علت همان وضعیت اقلیمی، از لحاظ ترکیب انسانی معمولاً ازدو گروه تشکیل می‌شده است: بزرگ و کوچک، رئیس و مرئوس، فرمانروا و فرمان‌بر، خان و رعیت، حاکم و عامه مردم... و در همه‌جا و همه موارد یک گروه چشم و گوش‌به‌دهان و زبان‌گروه دیگری داشته است. یک گروه برای گروه دیگر تکلیف تعیین می‌کرده و آن را راضی برده است. بدیهی است که این تعیین تکلیف و راهبری نیاز به اصول و قواعدی داشته و بر مبنای آنها اعمال می‌شده است. این اصول و قواعد معمولاً از اخلاق منبعت می‌شوند و



با اصول اخلاقی مذهبی نیست. این مجموعه‌ها نوعی دعوتند. پاسخ به این دعوت را در جهت آشکارا اسلامی، می‌توان در رسائل اخلاقی سنتی یافت. رسائلی که به راستی مایه‌سربلندی ادب فارسی هستند، و در همین کتاب مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مسیری که از دعوت به پاسخ دعوت می‌رود به دو گونه طی شده است: از یک سو از طریق تفسیر اندرزها در جهتی که به آن اشاره شد، و از سوی دیگر از راه تأثیر عظیم تصوف در ادبیات، یعنی تأثیر اسلام عملی در سطح فرهنگ عمومی. در تشکیل اخلاقیات ایرانی دو عامل عمده نقش اساسی داشته‌اند: موقعیت اقلیمی یا جغرافیای طبیعی، و جامعه‌سالار مدار.

جغرافیای طبیعی یا در واقع طبیعت جغرافیای ایران همواره تأمل برانگیز و پند آموز بوده است. نمی‌توان در دل یا دامنه جنگل انبوه زندگی کرد و از بهار و خزان گیاهان و درختان، و تابستان و زمستان جانوران درس نگرفت، نمی‌توان در کنار دریا بود و به بی‌کرانگی باور نیافت؛ نمی‌توان در دل دره‌های ژرف و دامن کوه‌های سر به فلک کشیده زندگی کرد و

■ اخلاقیات

■ شارل هانری دو خوشه کور

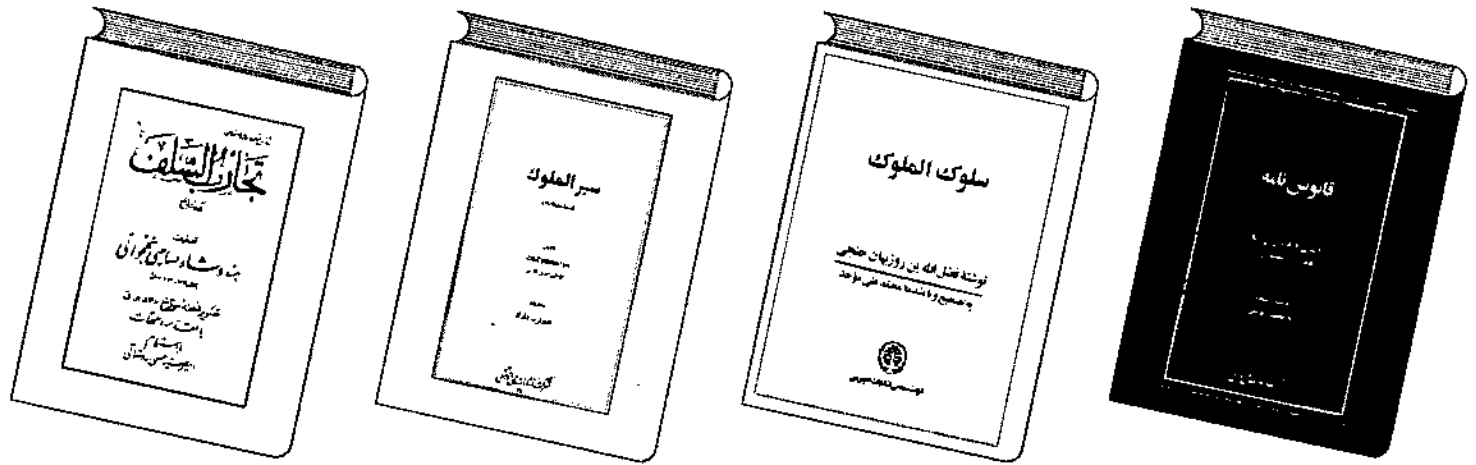
■ ترجمه محمدعلی امیرمعزی و ع. روح بخشان

■ تهران، مرکز نشر دانشگاهی، پاییز ۱۳۷۷

یکی از مشخصه‌ها، و در واقع ارکان فرهنگ ایرانی در معنای عام آن، اخلاق است که از دیر باز مورد توجه‌انسان بوده و از قدیم‌ترین اعصار تاریخی، به ویژه در ایران باستان (از روزگار کوروش و داریوش) و در یونان کهن (در عصر فیلسوفان) تعریف‌های متنوع و مختلف از آن به دست داده شده که ماحصل آنها این است که اخلاق، علم تدبیر زندگی فردی و اجتماعی است.

اخلاق ایرانی که می‌توان گفت از زمان تاسیس نخستین کانون‌های زندگی اجتماعی در هزاران سال پیش، شکل گرفته است دو گونه یا دو بخش عمده دارد: نظری (یا به تعبیری: گفتاری) و عملی. اخلاق نظری وجه آمرانه - و به عبارت درست‌تر - وجه پندگونه و مناصحت دارد و ناظر بر همه کس و همه چیز می‌شود. اما اخلاق عملی جنبه خویشتندارانه یا محتاطانه دارد، و قلمرو یا دامنه‌اش محدودتر است. اخلاق نظری یا گفتاری که صورت ظاهر آن امر و نهی (شایسته است / نکوهیده باشد، بکن / نکن) است، از فرد فراتر می‌رود و به جمع راجع می‌شود تا جایی که دامنه شماع آن، همه را، از نزدیک و دور، و حاضر و غایب، در بر می‌گیرد؛ اما اخلاق عملی عمدتاً به فرد و ناظر بر اعمال شخصی است، و از رهگذر فرد به اجتماع می‌رسد. وقتی هم که اسلام به ایران می‌رسد، مبنای اخلاقی جامعه ایرانی پیش از پیش تثبیت شد و تحکیم یافت. دین اسلام که دین مثبت و عمل یعنی به طور کلی دین اخلاق است، خیلی زود تا اقصی نقاط راه می‌یابد و به سرعت در جامعه ایرانی جا می‌افتد. و در واقع اخلاق ایرانی را که ساخته و پرداخته تحولی هزاران ساله بوده است، تکمیل و پرورده می‌کند و به سبب سعه صدری که دارد اخلاق را تا کوچک‌ترین زوایای جامعه نفوذ می‌دهد و ملکه ذهن جامعه می‌کند و اخلاقیات ایرانی در دوره تمدن اسلامی را شکل می‌دهد، و در ادب فارسی و متون ادبی متجلی می‌شود. به قول نویسنده کتاب اخلاقیات تأثیر اسلام بر اندیشه اخلاقی فارسی در سده های چهارم تا هفتم هجری بدیهی [یعنی قطعی و آشکار] است، اما باید درست سنجیده شود. مجموعه‌های قدیمی پند و اندرز به این معنی اسلامی هستند که هیچ چیز در بطن آنها متناقض

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، دی ۱۳۷۷



در تشکیل اخلاقیات ایرانی دو عامل عمده نقش اساسی داشته‌اند: موقعیت اقلیمی یا جغرافیای طبیعی، و جامعه‌سالار مدار

زبان و ادب فارسی آکنده از اخلاقیات است که بخش عمده آن‌ها به صورت امثال و حکم همه روزه در زبان مردم به کار می‌رود، و کتاب اخلاقیات چگونگی شکل‌گیری آن‌ها را از قدیم‌ترین ایام نشان می‌دهد و تحول تاریخی آن‌ها را بررسی می‌کند

این متون می‌توان به اوضاع اجتماعی عصری که این متون در طی آنها به نگارش در آمدند پی برد. و به بررسی و تحلیل اوضاع آن روزگاران پرداخت و اجتماعیات آن دورها را شناخت و با جهات ضعف یا قوت جامعه در یک عصر معین آشنا شده و ارزش کتاب اخلاقیات دقیقاً در همین نکته نهفته است.

کتاب اخلاقیات که حاصل سال‌های دراز تحقیق در انواع متون خطی و چاپی و نتیجه دوندگی‌های طولانی مؤلف در میان کتابخانه‌های کوچک و بزرگ در کشورهای مختلف است، به بررسی مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا سده هفتم هجری اختصاص دارد. کتاب، از لحاظ زمانی دورمیدانیش، تکوین، شکوفایی و گسترش زبان و ادب فارسی را در بر می‌گیرد، و از لحاظ محتوا حاوی شناسایی و معرفی مهم‌ترین و مؤثرترین متون ادبی از ابتدای کار کتاب نویسی در ایران تا پایان عصر سعدی یعنی هجوم و ورود متولان به ایران است. نگاهی به‌فصل کتاب، ما را از محتوای کلی آن آگاه می‌کند:

فصل اول، اندرزنامه‌های کهن (ص ۱-۱۶۰).

فصل دوم، متن در متن یا کوشش در راه طبقه بندی تجربی متون (ص ۱۶۲-۲۱۰).

فصل سوم، رساله‌های اخلاقی که به شیوه سنتی نوشته شده‌اند (ص ۲۱۱-۴۸۴).

در چارچوب اخلاقیات جای می‌گرفته‌اند، و چون به صورت مکتوب در می‌آمدند به‌قلمرو ادبیات راه می‌یافتند.

البته می‌دانیم که در زمان‌های دور، پیوستگی و نزدیکی میان مردم محدود به جوامع کوچک و بستمنی بوده است، اما این امر خللی بر وجود اصول و قواعد کلی متعارف که در همه جا و در میان همه جوامع رواج می‌داشتند، وارد نمی‌کند. و هرگاه هم که این اصول و قواعد و اخلاقیات ناظر بر آنها یا منبعت از آنها از محدودتهای کوچک فراتر می‌رفته‌اند و در حیطه‌های بزرگ و توانمند اعمال می‌شدند دچار دگرگونی عمده‌ای نمی‌شدند جز این که نامنه سلسله مراتب اجتماعی (و اداری و تشکیلاتی که بعدها رایج می‌شود) گسترده‌تر و استوارتر می‌شده است. مؤلف کتاب اخلاقیات، که به خوبی این نکته را دریافته است، در پیشگفتار خود آن را چنین بیان کرده است: در اخلاق ایرانی و اخلاقیات فارسی روی سخن بیشتر از هر کس با انسان بالغ، صاحب خانه و مال و مقام است. انسان‌های دیگر در پشت سر این نمونه اصلی و از ورای او مخاطب سخن اخلاقی هستند. مورد شخص حاکم موردی جداگانه است. من پیش از آغاز مطالعاتم در این زمینه، هرگز تصور نمی‌کردم که این شخصیت چنین در همه جا حاضر باشد. و طی بررسی متون کم‌کم این سؤال برایم پیش آمد که آیا اصلاً مقصود نوشته‌های فارسی، شخص او نیست؟ تربیت حاکم، تربیت مردم کشور است. شکوفایی مردم آنگاه حاصل می‌شود که حاکم در زندگی شخصی خود به تعادل دست یابد. در این مرحله، راستی و عدل و میانه‌روی مترادفند... به همین سبب است که در ضمن مطالعه تاریخ تدوین متون می‌بینیم که غالب، و حتی می‌توان گفت که همه آنها یا خطاب به یک صاحب نام و جاه (شاه، امیر، شاهزاده، وزیر، دهقان...) نوشته شده‌اند یا به اشاره و سفارش او و یا در دستگامی که در پیرامونش بوده است.

در واقع این اخلاقیات همواره به جوامع بسته و زبان‌گفتار محدود نشانند، و از هنگامی که نوشتن - نثر و نظم - آغاز شده به متون راه یافته‌اند. متون موجود که در آنها سخن از اخلاقیات به میان می‌آید دو دسته‌اند: متون ادبی، تاریخی و علمی که در آنها اخلاقیات و مسائل مربوط به اخلاق به طور پراکنده، به صورت کلمات قصار یا حکایات یا امثال، مطرح شده‌اند؛ و متون صرفاً اخلاقی که منحصر به بحث از اخلاقیات و مسائل مربوط به اخلاق اختصاص دارند. از طریق مطالعه

فصل چهارم، نصیحه الملوك (ص ۴۸۵-۶۰۵).
فصل پنجم، اخلاقیات مبتنی بر اصول و اخلاقیات سنتی (ص ۶۰۶-۶۲۲).
پیوسته‌ها (ص ۶۲۳-۶۲۷).

کتاب با سرآغازی شروع می‌شود که در واقع پیشگفتار مؤلف است در باب آشنایی او با گشش ایرانیان به پیام اخلاقی و کوشش او در جهت شناخت کلام اخلاقی که لازمه آن شناسایی متون بوده است یعنی حجیم عظیمی از اسناد و متون با محتوای مکرر... که زیر بنای اندیشه اخلاقی فارسی در آنها متجلی می‌شود. از طرف دیگر اخلاق با نیت و اندیشه‌سر و کار دارد، و ادب با تخیل و کشش آن به زیبایی، و این دو - در متون فارسی - برای ترغیب خواننده یا شنونده در هم می‌آمیزند. به عقیده مؤلف در نوشته‌های فارسی، اخلاق به صورت اصلی آن از اوایل سده ششم هجری جلوه‌گر می‌شود. متون اخلاقی با تقسیم بندی‌های مستدل به وسیله فلاسفه نشر می‌یابند. و دیگر تاثیر ادبی مد نظر نیست. بلکه هدف مجاب کردن از طریق استدلال منطقی مبتنی بر تعاریف است. تا پیش از آن قسمت اساسی اخلاقیات فارسی به صورت بند و اندرز است. این گونه اخلاق، راهنماست، مشوق است و کوشش در مقاعد کردن دارد، اما هرگز به تلخی نمی‌گراید و در تنگنا نمی‌گذارد. در متون فارسی که اخلاق به آنها راه یافته است انسان با اخلاق، انسانی هشیار است و انسان بی اخلاق در غفلت به سر می‌برد و همه چیز او را غافلگیر می‌کند و کتاب از سخن پدید آمده است سخن نیز میدان کارکرد اخلاق، سخن قدرت است. سخن بد مهلک است، سخن نیک انسان ساز و جامعه‌ساز است... طرف سخن انسان بالغ است.

کتاب اخلاقیات اولین تحقیق علمی و مستند و نسبتاً جامع درباره اخلاقیات زبان فارسی است که به‌طور از حب و بغض با نگاهی دقیق و علمی و بر بنیاد شیوه‌های امروزی نقد متون، تالیف شده است و خوانندگرا با محتوای اخلاقی ادب فارسی و جزئیات موضوعات آن آشنا می‌کند. از آن جا که تاکنون کتابی به این جامعیت و شمول در زبان فارسی وجود نداشته است، اصل تالیف و ترجمه آن به فارسی خدمتی بزرگ به عالم ادب فارسی، تاریخ و فرهنگ ایران و جامعه کتابخوان ایرانی است و می‌تواند سرمشق کار تحقیق اخلاقیات فارسی در متون دیگر (مثلاً متون تاریخی، علمی و مانند اینها) باشد.